ریشه‌یابی جنایت‌های دامادهای خشمگین در گفت‌وگو با علی نجفی‌توانا

نباید ادامه زندگی را تحمیل کرد

آدرینا ایرانمنش
تپش

این روزها برخی دامادها، شمشیر را برای همسر و خانواده او از رو بسته‌اند و به جای حل اختلافات، خشونت را انتخاب کرده و آنها را یا با چاقو سلاخی می‌کنند یا با سلاح گرم به رگبار می‌بندند. فروردین امسال، دامادها هم کشتند و هم کشته شدند. یکی ادعا می‌کند از دخالت بیجای خانواده همسرش جان به لب شده و همه را از دم تیغ گذرانده، دیگری هم مدعی است چون ناموس‌اش با مردی رابطه داشته، او را به قتل رسانده است اما به اعتقاد دکتر علی نجفی‌توانا، حقوقدان و جرم‌شناس، ماجرا خیلی عمیق‌تر از دایره ناموس و دخالت است و فاکتورهای متعددی در وقوع این جنایت‌ها دخالت دارد. او در گفت‌وگو با تپش، پرده از این عوامل برمی‌دارد.

آیا جامعه ما مردسالار است؟ این نگاه مردسالارانه ناشی از کجاست که مرد خود را مالک زن می‌داند و برای زندگی یا قتل او تصمیم می‌گیرد؟

بسیاری از واکنش‌های موجود در ایران و دنیا، تابع سنت قدیمی زورباز و است و ما با نوعی پدرسالاری یا مردسالاری اقتصادی و فرهنگی مواجه هستیم که در آن اگر به زنان هم آزادی داده شود، در چارچوب منافع سرمایه‌داری و کارتل‌هاست و از آن استفاده ابزاری می‌شود. متاسفانه با این تفکر مواجه هستیم که زن اسباب خانه است و در گذشته نه چندان دور به زنان عنوان «منزل» اطلاق می‌شد. کما این‌که در قانون هم ریاست خانواده را به مرد داده‌اند و در تاریخ و گذشته همیشه مرد به‌عنوان حامی تلقی می‌شد.

چرا مردان می‌توانند با پرداخت مهریه به راحتی از همسر خود جدا شوند اما تا مرد دچار اعتیاد و... نباشد، زن حق جدایی ندارد و ممکن است به جنایت ختم شود؟

در سال‌های اخیر، حق طلاق به زنان داده شده و در صورت عسر و حرج می‌توانند جدا شوند. حتی حضانت بر فرزندان نیز در صورتی که مرد شرایط مالی و روحی مناسبی نداشته باشد به زن واگذار می‌شود. فراموش نکنیم عرف ملت ایران تحت تاثیر سنت‌های دیرینه، تمدن قدیمی ایرانی و آموزه‌های جدید است و نقش زنان ایران در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به‌گونه‌ای بوده که حاکمیت هم به کندی گام‌هایی در مسیر برابری برمی‌دارد که هنوز در مرحله جنینی است.

آیا دسترسی آسان به سلاح باعث نشده تا دامادهای جنایتکار اقدام به قتل کنند؟

این علت ثانویه است و علت اصلی نیست. نبود دسترسی به سلاح مانع موقت وقوع جرم است اما اگر کسی بنای کشتن همسرش را داشته باشد، چاقو و سلاح‌گرم هم نباشد، با روسری و سم می‌تواند او را بکشد.

این قتل‌ها بیشتر ناشی از احساس مالکیت مرد است یا حسادت؟

بیشتر از روی حس انتقام و لجاجت است و به همین دلیل، قاتل پس از ارتکاب قتل شاید مدتی احساس آرامش کند اما موقتی است و احساس پشیمانی خواهد کرد.

خاطرم هست آبان سال ۹۹، آقای رئیسی که آن زمان رئیس قوه قضاییه بود، در مصاحبه‌ای گفت، قضات به آسانی حکم طلاق، حتی طلاق توافقی صادر نکنند. وقتی زوجی سازگاری ندارند، دستگاه قضا چه اصراری دارد آنها را به بهانه حفظ کیان خانواده کنار هم نگه دارد؟

قبل از انقلاب، حاکمیت پذیرفت که زنان در مواردی حق طلاق داشته باشند اما پس از انقلاب تا مدت‌ها سیاست انقباضی این بود که طلاق حق مرد است اما با توجه به تاثیر تشنج روی فرزندان و احتمال ضرب و جرح و جنایت، حاکمیت حق طلاق برای زن قائل شد. راه‌حل جلوگیری از طلاق، اقدامات کنشی، آسیب‌شناسی، حمایت از خانواده‌ها، ترویج فرهنگ مفاهمه، آموزش زوجین قبل از ازدواج و حمایت از طریق روان‌شناس است. بعد از ازدواج هم حمایت‌های اقتصادی و شناخت اختلافات مهم است. هم‌اکنون آمار طلاق رو به افزایش بوده و در برخی شهرها، ۵۰ درصد ازدواج‌ها منجر به طلاق می‌شود.

این عبارت درست است که «دستگاه قضا جلوی پای زوجینی که قصد جدایی دارند»، سنگ می‌اندازد؟

ما با یک پارادوکس مواجه هستیم. مدیران، پس از چهل و چند سال مدیریت تازه متوجه شده‌اند مدیریت بر مبنای ذهنیت‌گرایی موفق نخواهد بود. بعضی جناح‌های حاکم در زمان خودشان و با وجود برخی موانع، موفق شدند قوانینی را به نفع طلاق زنان تصویب کنند. در مقابل ما با یک نگاه ذهنیت‌گرا مواجهیم که درد جامعه را نمی‌فهمد و به شکل گزینشی می‌گوید باید چنین و چنان شود.

چرا دامادهای جنایتکار، مسیر قتل را برای حل مساله انتخاب می‌کنند؟

جوانان ما در تعارض زندگی می‌کنند. آنها از یک‌سو با باید و نبایدهای حاکمیت، خانواده‌ها، سنت‌های گذشته، نبود وجود الگوهای فرهنگی مناسب و از سوی دیگر با اثرگذاری ارزش‌های تربیتی، رفتاری و فرهنگی از فضای مجازی مواجه هستند. تعارض این دو و چالش‌هایی مانند بیکاری، ناامیدی، تورم روزافزون، بگیر و ببند برخی نهادها و افسردگی، تحریک‌پذیری جوانان را افزایش داده و موجب واکنش‌های عصبی می‌شود که آثار آن در زندگی خصوصی و عمومی قابل مشاهده است. جرایم جسمی و آمار جرم اولی‌ها افزایش پیدا کرده، زنان مورد اسیدپاشی قرار گرفته یا قربانی قتل‌های ناموسی می‌شوند. علت اصلی جرایم، فقر، بی‌عدالتی، فساد و تبعیض است که بسیاری از مقامات کشور در مورد آن هشدار داده‌اند اما مدیران همچنان بر طبل سنت می‌کوبند.

یعنی معتقدید آستانه تحمل جامعه کاهش پیدا کرده است؟

صددرصد. برخی مشاوران حاکمیتی و دولتی معتقدند ۲۵ درصد جامعه دچار اختلالات روحی است اما به اعتقاد من، بیش از ۸۰ درصد افراد بالای ۱۶ سال تا سنین بالا درگیر این معضل هستند که ناشی از عصبانیت‌های ناگهانی، افسردگی، استرس، بی‌خوابی و... است. در چنین جامعه‌ای نه تنها جوانان، حتی مدیران، فرهیختگان و صاحبان حرف هم دچار التهاب هستند. جامعه در حقیقت بر بحران رفتاری قرار دارد.

در برخی کشورها، دادگاه میان زوج‌های مشکل‌دار فاصله‌گذاری کرده و می‌گوید، زن یا شوهر حق ندارند مثلا به ۵۰۰ متری همسر خود نزدیک شوند. آیا جای این قانون در دستگاه قضا خالی نیست؟

دقیقا این نوع خلأها وجود دارد. در کشورهایی که مدیریت براساس نیازسنجی، عینیت‌گرایی، واقعیت‌گرایی و مطالعه شرایط عینی اجتماع است، یکی از تدابیر، دور نگه‌داشتن زن و مرد مستعد خشونت برای ۱۵ روز، یک یا دو ماه و با رعایت فاصله چند کیلومتری است. در مواردی حتی اجازه ورود به‌کانون مشترک زندگی هم داده نمی‌شود. این رفتار هم جنبه تنبیهی دارد و هم فرصتی است تا فرد با مطالعه گذشته خود، علت خشونت را کشف کرده و امکان بازنگری در زندگی را داشته باشد اما ما به همان تجربه‌های قبلی و هزینه‌های آن عادت کرده‌ایم و همین باعث شده تا خیلی دیر نسبت به پذیرش این تدابیر اقدام کنیم.

پس چرا ما این فاصله‌گذاری را وارد قانون نمی‌کنیم؟

پس از ۴۵ سال بار عملی، باید بگوییم شرایط دستگاه قضا مطلوب نیست و با استانداردها فاصله دارد، با این‌حال افراد تحصیلکرده، آموزش دیده و باتجربه در دستگاه قضا، واقع‌بینانه‌تر عمل می‌کنند. زمانی که برخی قوانین ما سال‌ها بر طبل خشونت می‌کوبید، همین قضات با استفاده از روش‌های علمی سعی کردند این واکنش‌ها را تعدیل کنند. الان هم خیلی دیر قوانین عوض شد و البته قوانین تغییر یافته هم تبدیل به بهشت بزهکاران شده است.

جواب سؤال قبلی را نگرفتم.

قوانین فعلی ما توانایی لازم را ندارد. بیشتر حق غالب با مرد است و راه‌حل‌ها هم همانی است که در قوانین ما پیش‌بینی شده است. وقتی زوجین سازش ندارند، نمی‌توان ادامه زندگی را به آنها تحمیل کرد. در جامعه‌ای که قادر به کنترل قیمت گوجه نیست و با دستور پایین آوردن فقر مطلق می‌خواهد آن را اداره کند، اوضاع رو به‌سامان نخواهد رفت و با خشونت بیشتر روبه‌رو خواهیم شد. اگر بنا به رعایت عدالت است، نسبت به همه باید باشد. دیده‌اید یک اختلاس‌گر یا آقازاده در شهر گردانده شود؟ هرگز. برای حفظ کیان خانواده به‌جای اقدامات واکنشی باید از اقدامات کنشی و پیشگیرانه استفاده کنیم.

چه کنیم نقش خانواده‌های دخالت‌گر در روابط زوجین به حمایت‌گر تبدیل شود؟

در کوتاه‌مدت، آموزش جواب می‌دهد، در بحث میان‌مدت به نظر من، خانواده‌ها تحت تاثیر التهاب هستند و هر یک به طرفداری از فرزند خود وارد عمل می‌شوند. دخالت، یکی از علت‌های عمده است و چون جوانان ما از لحاظ اقتصادی وابستگی دارند، قادر به حرف‌نشنوی از والدین خود نیستند. در نتیجه این تعارض شعله‌ور شده و تبدیل به سوءتفاهم، اختلاف و جرم می‌شود. والدین ما نمی‌دانند چگونه فرزندان خود را برای زندگی مشترک تربیت کنند و جامعه هم نقش خود را به‌خوبی ایفا نمی‌کند که همین مساله بستر آغاز اختلافات را فراهم می‌کند.

> راه‌حل جلوگیری از طلاق، اقدامات کنشی، آسیب‌شناسی، حمایت از خانواده‌ها، ترویج فرهنگ مفاهمه، آموزش زوجین قبل از ازدواج و حمایت از طریق روان‌شناس است. بعد از ازدواج هم حمایت‌های اقتصادی و شناخت اختلافات مهم است

برگ سبز و برگ کمپانی خودرو **جیلی مشکی** مدل ۲۰۱۳ به شماره شهربانی ۱۳۸ایران۷۷د۳۳۹ به شماره موتور **jly4g18d7nb00251** شماره شاسی **l6t7844s7d037163** به‌نام **زهرا گندم‌کار** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و برگ سبز خودرو **پراید ۱۱۱** مدل ۱۳۹۱ رنگ **سفید روغنی** شماره موتور **4611537** شماره شاسی **S5430091707924** شماره پلاک **۳۰ ایران ۴۶۳ س ۱۹** به‌نام **آرزو افشاری** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مدرک تحصیلی (دانشنامه پایان تحصیلات کارشناسی ارشد ناپیوسته) به شماره ۱۵۹۳۱۲۳۳۴۰۴۸ مورخ ۹۶/۰۶/۲۸ متعلق به **خانم سیده مریم یکتا مقدم** فرزند **سید محمد** با کد ملی ۴۵۷۹۳۳۲۳۳۴ فارغ‌التحصیل رشته روانشناسی بالینی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (سیستان و بلوچستان) مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی فروش
فروش فوری زمین متراژ ۴۸۰متر دارای پروانه ساخت لاهیجان- روستای تموشل متری دو میلیون و هفتصد
۰۹۱۱۲۴۴۵۳۴۲